

سیاست سکولار سلاطین عادلشاهی

دکتر عبدالغنی عمارت والا♦

ترجمه: خان محمد صادق جونپوری*

قرن شانزدهم تا نیمه اول قرن هفدهم میلادی در تاریخ بیجاپور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که خصیصه اصلی آن ادغام فرهنگ هندو و مسلمان و اتحاد اصول بومی و خارجی است. سعه صدر مذهبی سلاطین عادلشاهی، انقلابی در نظام اجتماعی و مذهبی آن دوره به وجود آورد. آنها یک نهضت فرهنگی در بیجاپور برپا کردند و آنان را باید ستاره‌های درخشان آسمان فرهنگ و تمدن بیجاپور دانست. متأسفانه پژوهشگران و مورخان به جز در زمینه موفقیت‌های سیاسی سلاطین بیجاپور، در زمینه سهم فرهنگی آنها چنان که باید تحقیق نکرده‌اند.

در سال ۱۴۸۹ م. با ضعیف شدن سلطنت بهمنی، یوسف عادل خان ساوی، یکی از سرداران آنها، سلسله عادلشاهی را بنیاد نهاد. سلاطین این سلسله بیشتر لیبرال و دارای سعه صدر بودند. آنها گرایش‌ها، سنت‌ها و بافت اعتقادی موجود در جامعه را مختل نکردند و سیاست‌های خود را با توجه به وضعیت مذهبی و اجتماعی عمومی موجود وضع کردند. این امر واضح است که در این قلمرو هندوها جمعیت قابل توجه‌ای را به خود اختصاص می‌دادند و در راستای تثبیت قدرت سیاسی، کنترل مؤثر و اداره هر چه بهتر کشور، همکاری بخش‌های عمده جامعه نیاز زمان بود.

♦ استاد و رئیس گروه تاریخ، باستان‌شناسی، دانشکده انجمن اسلام، بیجاپور، کرناتک، هند.
* دانشجوی دکتری، دانشگاه دهلی، دهلی.

بسیاری از خانواده‌های متعلق به طبقات دیگر به ویژه مراتی‌ها^۱ تحت حمایت سلاطین عادلشاهی ظهور کردند. این حاکمان از همکاری آنها استفاده کردند و استعداد‌های آنها را به بهترین نحو ممکن در راستای استحکام حکومت به کار گرفتند. تواریخ آن دوره نشان می‌دهد که مراتی‌ها، برهمن‌ها و افراد متعلق به طبقات پایین اجتماع در ارتش، خدمات دولتی، اداره قلعه‌ها و غیره استخدام شدند. در برخی موارد حکومت توجه بیشتری به حفاظت از منافع گروه‌های غیر مسلمان جامعه از خود نشان می‌داد اما برخی مورخان بر این عقیده‌اند که سیاست‌های سکولار زمان ابراهیم عادل شاه ثانی در زمان محمد عادلشاه و علی عادلشاه ثانی معکوس شده بود. ولی حقیقت این است که ادبیات آن دوران، کتیبه‌ها، فرمان‌ها و سندهای دولتی (منتشر نشده) و غیره به خوبی آشکار می‌کنند که در زمان این دو سلطان مورد بحث نیز سیاست سکولار دولت به همان روال سابق بود و هیچ وقت ضد هندوها نبود. به طور خلاصه ما می‌توانیم بگوییم که تقریباً تمامی سلاطین بیجاپور در قبال رعایای خود لیبرال و دارای سعه صدر بودند و سکولاریزم بخشی از سیاست سلاطین بیجاپور بود.

تأثیر فلسفه و سنت‌های هندویی بر سلاطین بیجاپور

یوسف عادلشاه، اسماعیل عادلشاه، ملو عادلشاه و علی عادلشاه اول و دوم پیرو مذهب شیعه بودند و ابراهیم عادلشاه اول و دوم، محمد عادلشاه و سکندر عادلشاه سنی مذهب بودند. برخی از این سلاطین با توجه به نفوذ بزرگان فرقه خاص در دربار و یا تحت تأثیر صوفیان و رعایای سنی مذهب تغییر مذهب دادند. برخی از آنها به شدت به پندیت‌ها (روحانیون مذهب هندو)، جوگی‌ها و سنیاسی‌ها علاقه داشتند و حتی به سنت‌ها و رسوم هندو عقیده داشتند. علی عادلشاه اول (۱۵۵۸-۸۰) همیشه تعدادی جوگی و فقیر همراه خود داشت و شاید تحت تأثیر همین مرتاضان، وی به وزیر خود منصب خان میر بخاول، آشپزباشی دربار، دستور داد تا از ذبح حیوانات و مرغ پرهیز کند.^۲

۱. محمد قاسم فرشته، تاریخ فرشته، چاپ سنگی فارسی، بخش دوم، لکنو، ۱۸۵۵/۱۲۷۲، برگ ۱۳،

گرانث دف، تاریخ مراتا (انگلیسی)، بخش اول، صص ۳۹-۴۲

۲. میرزا ابراهیم زبیری، بساتین السلاطین، نسخه خطی فارسی، حیدرآباد، ۱۸۹۰، برگ ۴۵

علی عادلشاه اول به دین مسیحیت نیز علاقه نشان داد و از اسقف اعظم گوا درخواست کرد تا تعدادی از افراد عالم کلیسا را برای مباحث مذهبی به دربار وی بفرستد. در نتیجه سه کشیش کاتولیک به بیجاپور آمدند و با سلطان ملاقات کردند.^۱ ابراهیم عادلشاه دوم، جانشین علی عادلشاه اول، پندیت‌ها و صوفیان را راهنما می‌خواند. دکتر موتی چندرا بر این عقیده است که احتمالاً وی با جوگی‌های نات پنت آن زمان تماس داشته است.^۲ وی با رکمنگرا پندیت نیز ملاقات کرد و مجذوب فلسفه وی شد.^۳ وی تا حدی به مذهب هندو تمایل پیدا کرد که در برخی از ابیات کتاب نوریس به مدح و ستایش سرسوتی (الهه دانش)، گنپتی (خدای خرد)، شیوا، همسر وی پاروتی و بیروا پرداخته است. برخی از کتیبه‌های وی نیز با نیایش به درگاه گنپتی و کریشنا آغاز می‌شود و به پایان می‌رسد. اطلاعات وی در زمینه تاریخ مذهب و اساطیر هندو و در نتیجه انتخاب لقب جگت گرو (مربی جهان) بیانگر این موضوع است. محمد عادلشاه نیز مانند پدر خود ابراهیم عادلشاه ثانی، مردی صبور و بردبار بود. دکتر موتی چندرا تصویری عرضه کرده است که در آن محمد عادلشاه در حال گفتگو با یک جوگی در حضور شاگردانش نشان داده شده است^۴ و این امر بیانگر وابستگی سلطان به مرتاضان هندی است. فلسفه و سنت‌های هندویی اثر قابل توجه‌ای بر این سلاطین داشته است و در نتیجه، آنها از نظر فکری لیبرال و سیکولار بوده‌اند.

-
۱. هیراس، سه کشیش کاتولیک در دربار علی عادلشاه اول (Three Catholic Padres at the Court of Ali Adil Shah I)، فصلنامه سوسایتی تاریخ بیهار، اول، صص ۱۵۸-۶۳
 ۲. دکتر موتی چندرا، تصویر ابراهیم عادلشاه ثانی، CSMB، ۱۹۴۵، ص ۴۵: جوگی مات سیندر نات در قرن دهم میلادی مکتب نات پنت را آغاز کرد. طبق سنت‌ها ۸۴ مرتاض نات در آنجا بودند. این فرقه دارای عقایدی مخالف عقاید عمومی بود و اعضای آن چادر نشین بودند. آنها بت‌ها را نمی‌پرستیدند و عقاید سنتی هندوها را مورد تنقید قرار می‌دادند. (دکتر غوری، افتخار حسین، پادشاهی در سلطنت بیجاپور و گولکنده، اسلامیک کلچر، حیدرآباد، ژانویه ۱۹۷۲، ص ۵۱)
 ۳. شاه ابوالحسن قادری، صحیفه الهدی (ترجمه)، ۱۰۹۶ هجری، صص ۳۱-۳۴
 ۴. دکتر موتی چندرا، چند تصویر منتشر نشده از بیجاپور (Some Unpublished Paintings From Bijapur)، فصلنامه سوسایتی تاریخی بمبئی، جلد، ششم، شماره ۱ و ۲، بمبئی، ۱۹۴۱، صص ۳۸-۳۹

ازدواج راهکاری برای اتحاد با دیگر دول

سیاست‌های عادلشاهیان در زمینه ازدواج با طبقات دیگر اجتماع نمایانگر تفکر لیبرال این سلاطین است. یوسف عادلشاه، بنیانگذار این سلسله، با یک زن مراطهی ازدواج کرد که بعدها به نام پونجی خاتون یا بوبوجی خانم شهرت یافت. وی خواهر موکند راژ مراتا^۱ بود. یوسف عادلشاه با این عمل خود سال‌ها قبل از پادشاه اکبر از سلسله گورکانی، نمونه‌ای برای سکولاریزم عرضه کرد. مادر علی عادلشاه اول هندو بود. داسو پندیت، یکی از اشراف برجسته دربار ابراهیم عادلشاه ثانی، دختر خود را به ازدواج سلطان درآورد. علاوه بر این ساونت راژ نیکواری دختر خود را به عقد شهزاده اسماعیل، برادر ابراهیم عادلشاه ثانی درآورد. وی حتی این شهزاده را علیه سلطان تحریک کرد.^۲ بعد از فروپاشی سلسله عادلشاهی (۱۶۸۶ م.) نیز این روند ادامه پیدا کرد و ما می‌بینیم که محمد محی‌الدین، فرزند سکندر عادلشاه آخرین سلطان این سلسله، که در آن زمان در خدمت پادشاهان گورکانی بود، با دختر سمباجی (خواهر ساهو مهاراج از ستارا) ازدواج کرد. پادشاه اورنگزیب مقدمات این ازدواج را فراهم کرد و مبلغ ۷۰۰۰ روپیه به عنوان جهیزیه پرداخت نمود.^۳

عادلشاهیان یا گورکانیان از پیشگامان ازدواج بین طبقات مختلف اجتماع به شمار نمی‌روند بلکه در قرن پانزدهم میلادی سلاطین بهمنی دکن این روش را آغاز کرده بودند. ما منابعی در اختیار داریم که نشان می‌دهد سلطان تاج‌الدین فیروز شاه بهمنی (۱۳۹۷-۱۴۲۲) با دختر دیوریا اول در سال ۸۱۰ هـ (۱۴۰۸ م.) ازدواج کرد. فرزند وی حسن خان نیز با یک دختر هندو به نام پرتالی، دختر یکی از زرگران شهر مُدگل، ازدواج کرد. علاؤالدین احمد شاه ثانی (۱۴۳۵-۵۸) در سال ۱۴۳۷ م. با دختر راجای سنگامیشور از سواحل کونکن ازدواج کرد. وی نام زن مراطی خود را زیب‌چهره نهاد و چنان شیفته وی شد که ملکه اول خود، دختر پادشاه خاندیش، را به فراموشی سپرد.

۱. موکند راژ مراتا یکی از اشراف دولت بهمنی بود. (فرشته، برگ ۱۳)

۲. رفیع‌الدین شبرازی، تذکره‌الملوک، نسخه خطی، برگ: ۱۸۹، ۲۰۷ و ۲۰۸

۳. ساقی مستعد خان، مآثر عالمگیری، ص ۲۸۷

ملکه اول پدر خود را تحریک کرد تا در این مورد مداخلت کند و به این صورت جنگی بین دو پادشاه درگرفت.^۱

این گونه وصلت‌های زناشویی باعث ایجاد روابط دوستانه با هندوها شد. هدف این ازدواج‌ها فقط شخصی نبوده بلکه سیاسی بوده است و این سلاطین با این کار خود خواسته‌اند از میزان بیگانگی طبقه حاکم و محکوم نسبت به یکدیگر بکاهند.

اجرای عدالت و غیر مسلمانان

سلاطین عادلشاهی عدالت و انصاف را دوست داشتند و تمامی رعایا اعم از مسلمان و غیر مسلمان به طور یکسانی از این عدالت برخوردار می‌شدند. قوانین هندو مطابق آنچه در کتاب‌های مذهبی هندوها آمده و از سال‌ها پیش رواج داشته است، برای جمعیت هندوها نافذ بوده است. زمانی که هندوها برای حل اختلافات مدنی و مذهبی خود به ماموران مسلمان مراجعه می‌کردند، آنها به دلیل عدم آگاهی از کتاب‌های مذهبی هندوان از این کار ابا می‌کردند.^۲

به طور نمونه افراد طبقه برهمن و پربهو کاست در مورد مسئله‌ای اختلاف داشتند و نتوانستند آن را حل کنند و به ناچار پیش یکی از ماموران مسلمان دولت بیجاپور رفتند. این مامور دولت به آنها پیشنهاد کرد که هر دو طرف اختلاف به روحانیون هندو (پندیت) در بنارس رجوع کنند و آنها هر حکمی که صادر کنند در این منطقه قابل اجرا خواهد بود. آنها رهسپار بنارس شدند و بعد از مدت‌ها بحث و مباحثه، روحانیون بنارس به این نتیجه رسیدند که پربوها می‌توانند در مراسم ویدیک شرکت کنند و کتاب مقدس گایتیری به آنها آموزش داده شود.

مسائل ازدواج، ارث و غیره عموماً تحت قوانین مذهبی حل و فصل می‌شد ولی در مورد مسائل جزایی هیچ فرقی وجود نداشت و قوانین شاهی که ضامن حفظ امنیت

۱. دکتر مطلب، سلطنت‌های دکن و قوانین اسلامی، فصلنامه میدیول دکن (The Deccan Sultanates and Muslim Law)، حیدرآباد (هند)، ۱۹۷۴، صص ۴۸۴-۸۵

۲. همان، ص ۴۸۵

جانی و مالی مردم بود، برای همه لازم الاجرا بود.^۱ از فرامین دوران عادلشاهی چنین برمی‌آید که برای نفاذ قوانین و پایبندی مردم به مقررات، دولت از عقاید دینی مردم کمک می‌گرفت. برای مثال گفته می‌شد که اگر یک مسلمان به این مقررات عمل نکند به خشم خداوند دچار می‌شود و از شفاعت حضرت محمد (ص) در روز محشر محروم خواهد شد. و برای هندوان چنین گفته می‌شد که وی اگر به قوانین دولتی عمل نکند از دین هندویی خارج شده و گویا گاوی را در شهر کاشی (بنارس) به دست خود ذبح کرده است.^۲ به این طریق دولت بدون اعمال جریمه و تنبیه، قوانین را به صورت مسالمت‌آمیزی نافذ می‌کرد.

موقعیت غیر مسلمانان در بخش‌های دولتی

دولت بیجاپور برای اداره کشور تعداد زیادی از هندوان را استخدام کرد. مطالعه تاریخ آن عصر نشان می‌دهد که سلاطین بیجاپور از خدمات مراتی‌ها، برهمن‌ها و افراد طبقه پایین اجتماع (نیکواری) بهره‌مند می‌شدند. آنها به عنوان فرمانده ارتش، سرپرست بخش‌های دولتی، مسئول قلعه‌ها، رئیس حسابداری، معمار، نقاش، موسیقی‌دان و غیره در دربار بیجاپور خدمت می‌کردند. آنها بر اساس مهارت‌ها و استعداد‌های خود از جوایز سخاوتمندانه سلاطین نیز بهره‌مند می‌شدند. بخش مالیات و حسابداری کاملاً در دست برهمن‌ها و مراتی‌ها بود که اول‌الذکر در ریاضیات مهارت داشتند و بخش حسابداری دولت را ثبت می‌کردند و آخرالذکر در زمینه جمع‌آوری مالیات مورد اعتماد بودند. سیش وامن پندیت، داسو پندیت، پندیت ناراهاری (نویسنده نوری منجری به زبان سانسکریت)، موراری پندیت و دیگران از برهمنان برجسته دربار بیجاپور بودند. اسد بیگ، سفیر گورکانیان در دربار بیجاپور می‌نویسد که ریاست اصناف مختلف صنعتی بر عهده هندوها بوده‌است. به طور خلاصه می‌توان گفت که هندوها در زندگی مدنی

۱. دکتر مطلب، صص ۴۹۳-۹۴

۲. فرامین، چاپ سنگی، برگ ۲۰۵-۰۶

بیجاپور از موقعیت بالایی برخوردار بوده‌اند.^۱ در شمال گورکانیان قدردان راجپوت‌ها بودند که در تثبیت و اداره حکومت نقش مهمی ایفا کرده‌اند. به همین طریق سلاطین عادلشاهی حتی از حمایت بیشتر مراتی‌ها، برهمن‌ها، و دیگر گروه‌های جامعه برخوردار بوده‌اند.^۲

آزادی مذهبی و حمایت‌های مالی دولت از اماکن مقدسه

مردم بیجاپور از آزادی مذهبی برخوردار بودند و به تعلیمات جوگی‌های نات پنت به دیده احترام می‌نگریستند. ظاهراً آنها در دربار علی عادلشاه اول اثر و رسوخی داشته‌اند.^۳ همین طور پندیت راکمنگرا در دربار ابراهیم عادلشاه ثانی تاثیرگذار بوده است. خانقاها و محل ریاضت هندوان نقش اصلاحی در جامعه داشته‌اند. میدو تیلور و جمس فرگوسن اشاره کرده‌اند که مبلغان مسیحی آزادانه در قلمرو بیجاپور به گشت و گزار می‌پرداختند.^۴

معابد، کلیساها و اماکن مقدس مذاهب دیگر همانند مساجد، خانقاها و درگاه‌های مسلمانان از حمایت مالی دولت برخوردار بودند. در نسخه خطی که در کتابخانه شرقی مدراس محفوظ است، کمک مالی شریف ملک (یکی از ماموران ابراهیم عادلشاه ثانی) به معبد گوکرنا ثبت شده است.^۵ ابراهیم عادلشاه ثانی و سلطان محمد عادلشاه نیز زمین‌هایی را برای اداره هرچه بهتر اماکن مقدس غیر مسلمانان اهدا کرده بودند.

علی عادلشاه اول در آغاز دوره سلطنت خود به تعدادی از کشیشان و مبلغان دینی که از طرف سنت فرانسیس زاویر فرستاده شده بودند، اجازه داد تا در رایچور دوب کلیسای کاتولیک تاسیس نمایند. وی همچنین زمین‌هایی را برای حمایت مالی آنان در

۱. دکتر جوشی، پی.ایم، موقعیت هندوان در سلطنت عادلشاهیان (Position of the Hindus in the Adil Shahi Kingdom of Bijapur)، کنفرانس تاریخ دکن، حیدرآباد، آوریل ۱۹۴۵، ص ۳۱۰

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به مقاله تحقیقی دکتر عبدالغنی عمارت والا

۳. دکتر غوری، ص ۵۱

۴. کپتان میدو تیلور و جمس فرگوسن، معماری بیجاپور (Architecture at Bijapur)، لندن، ۱۸۶۶، صص ۴۷ و ۴۸

۵. وسنت مادهاوا، کی.جی، منابع کناری عادلشاهیان بیجاپور (Kannada Sources of the Adil Shahis of Bijapur)، حیدرآباد، ۱۹۷۸، ص ۳۸۲

نظر گرفت. به گفته کپتان میدو تیلور و جیمس فرگوسن در شهرهای چیتاپور، رایچور و مُدگل کلیساهای کوچک همراه با مدارس وجود داشت. در این شهرها بیشتر نساجان و عرق کشان به این دین گرویدند و آنها فرمان‌هایی در دست داشتند که از طرف ابراهیم عادلشاه ثانی و محمد عادلشاه صادر شده بود که مقداری زمین، غلات و بخشی از مالیات به آنها تعلق می‌گرفت.^۱

موارد بالا به خوبی روابط دولت با رعایای غیر مسلمان و اماکن مذهبی آنان را واضح می‌نماید. هدف اصلی این کمک‌های مالی فقط مسایل مذهبی نبود بلکه مسایل سیاسی نیز در آن نقش مهمی داشت. این سیاست در تشکیل یک دولت مستحکم و مشروعیت حکومت تاثیرگذار بود.

حمایت از گروه‌های غیر مسلمان و روایات آنها

تواریخ معاصر و متاخر آن دوران نمونه‌هایی از حمایت دولت از گروه‌های غیر مسلمان و سنت‌های آنان را ثبت کرده است. از مطالعه یکی از این منابع چنین برمی‌آید که در منطقه دابول چنین رسم بود که متوفی اگر فرزند ذکور نداشت، اموال او به حق دولت ضبط می‌شد. این قانون باعث مشکلاتی برای مردم شده بود. آنها از سلطان محمد عادلشاه درخواست کردند که این قانون را لغو کند و در نتیجه در سال ۱۶۵۱ م. از اجرای این قانون جلوگیری به عمل آمد. همین طور به هندوهای شاه‌پیت قول داده شد که اموال متوفی بدون وارث، مصادره نخواهد شد.^۲

ابراهیم نقل می‌کند که سلطان محمد عادلشاه بعد از شنیدن این خبر که برهمنان پایتخت روزی فقط یک وعده تغذیه می‌شوند، آنها را تحت حمایت مالی خود درآورد و به آنها املاک، جوایز و روستایی در شمال بیجاپور اعطا کرد.

مردم طبقه مهاجن از مذهب هنود (بیشتر به کار تجارت مشغول هستند) به سلطان محمد عادلشاه شکایت کردند که زمانی که آنها از دروازه اله‌پور داخل قلعه می‌شوند،

۱. میدو تیلور و جیمس، ص ۴۷

۲. دکتر ناظم، کتیبه از دابول (انگلیسی)، مجله Epigraphia Indo Moslemica، ۱۹۹۳-۳۴، ص ۹ و ۱۰

و نیز مقاله کتیبه‌های بیجاپور از همین نویسنده، ص ۸۲

مردم طبقه دیگر آنها را مسخره می‌کنند. سلطان برای فرونشاندن فتنه دستور داد ورودی جدیدی به نام دروازه پادشاه‌پور در شرق قلعه بنا کنند.^۱

مطالعه فرمان‌های این دوره نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی و مذهبی جامعه عادلشاهی که جامعه‌ای با اکثریت غیر مسلمان بود، کمتر دچار هرج و مرج می‌شد. آنها جشن‌های اوگادی، هولی، گوری پوجا، گوکول استمی، دیپاولی، دسیرا، مهانومی و غیره را برگزار می‌کردند.^۲

اسناد تاریخی نشان می‌دهند که ابراهیم عادلشاه ثانی در سال ۱۶۱۴ طی فرمانی به ماموران خود در شهر نلدراگ دستور داد تا نوعی از مراسم مخصوص را دوباره احیا کنند. سکندر عادلشاه (۱۶۷۲-۸۶) در ماه ذی‌الحجه سال ۱۰۸۹/۱۶۷۸م. طی فرمانی به ماموران قلعه بادامی دستور داد تا روستای چلیچگود را که متعلق به خواص خان بود به مُراری نایک فرزند نارسپا نایک دیسایلی تحویل دهند. جشن‌های دیگر این کشور عبارتند از جشن مهالچمی در شهر کولاپور، امبا بوانی در تولجاپور، ویتودا در پندرپور و... وجود بقایای عمارت‌های مذهبی هندوها و مذاهب دیگر در بیجاپور و اطراف آن تا زمان استعمار انگلیس، بیانگر این امر است که در دوره عادلشاهی این اماکن مثل سابق پر رونق بوده‌اند.^۳

به این صورت ما می‌بینیم که سیاست‌های سیکولار سلاطین بیجاپور باعث ارتباط بین گروه‌های مختلف جامعه شد و در نتیجه هر گروه تحت تاثیر سنت‌ها، رسم و رواج و زبان دیگران قرار گرفت.

۱. بساتین، برگ ۳۳۸-۳۹

۲. فرامین، شماره ۳۵، برگ ۲۰۵، مجموعه فرمان‌های جمع آوری شده توسط والتر الیوت، شماره ۹، برگ ۱۲ ب، نسخه خطی ایف. ۵۰، مجموعه دیوان هند، بشیر الدین احمد دهلوی، تاریخ بیجانگر، ۱۹۱۰، ص ۱۳۴-۳۵

۳. سینسلیر، دلبیو ایف، بقایای هندو و جین در بیجاپور و اطراف آن (Hindu and Jains Remains in Bijapur and its Neighbourhood)، عتیقه شناسی هندی، شماره هفتم، ماه می ۱۸۷۸، ص ۱۲۰-۲۶؛ برد جیمس، خرابه‌های بیجاپور (The Ruined City of Bijapur)، شماره ۱، ۱۸۴۴، ص ۳۷۲.

منابع

۱. محمد قاسم فرشته، تاریخ فرشته، چاپ سنگی فارسی، بخش دوم، لکنو، ۱۲۷۲/۱۸۵۵.
۲. میرزا ابراهیم زبیری، بساتین السلاطین، نسخه خطی فارسی، حیدرآباد، ۱۸۹۰.
۳. هیراس، سه کشیش کاتولیک در دربار علی عادلشاه اول (Three Catholic Padres at the Court of Ali Adil Shah I)، فصلنامه سوسایتی تاریخ بیهار، اول.
۴. شاه ابوالحسن قادری، صحیفه الهدی (ترجمه)، ۱۰۹۶ هجری.
۵. دکتر موتی چند، چند تصویر منتشر نشده از بیجاپور (Some Unpublished Paintings From Bijapur)، فصلنامه سوسایتی تاریخی بمبئی، جلد، ششم، شماره ۱ و ۲، بمبئی، ۱۹۴۱.
۶. رفیع الدین شیرازی، تذکره الملوک، نسخه خطی.
۷. ساقی مستعد خان، مآثر عالمگیری.
۸. دکتر مطلب، سلطنت‌های دکن و قوانین اسلامی، فصلنامه میدیول دکن (The Deccan Sultanates and Muslim Law)، حیدرآباد (هند)، ۱۹۷۴.
۹. دکتر جوشی. پی. ایم، موقعیت هندوان در سلطنت عادلشاهیان (Position of the Hindus in the Adil Shahi Kingdom of Bijapur)، کنفرانس تاریخ دکن، حیدرآباد، آوریل ۱۹۴۵.
۱۰. کپتان میدو تیلور و جمس فرگوسن، معماری بیجاپور (Architecture at Bijapur)، لندن، ۱۸۶۶.
۱۱. وسنت مادهاوا، کی. جی، منابع کناری عادلشاهیان بیجاپور (Kannada Sources of the JHC. Adil Shahis of Bijapur)، حیدرآباد، ۱۹۷۸.
۱۲. دکتر ناظم، کتیبه‌از دابول (انگلیسی)، مجله Epigraphia Indo Moslemica، ۱۹۹۳-۳۴.
۱۳. بشیر الدین احمد دهلوی، تاریخ بیجانگر، ۱۹۱۰.